نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۸۷

سه‌شنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۳ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



فرق می‌کند چه کسی رئیس‌جمهور باشد

نتیجه دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری به تفکیک شهرستان‌ها در استان بوشهر



به گزارش خبرنگار مهر، با پایان یافتن انتخابات و شمارش و جمع‌بندی آرا در شهرستان‌های مختلف استان بوشهر، سعید جلیلی، مسعود پزشکیان، محمد باقر قالیباف و مصطفی پورمحمدی به ترتیب بیشترین تعداد رأی را کسب کردند.

در شهرستان بوشهر، مسعود پزشکیان ۳۴ هزار و ۳۸۶ رأی، سعید جلیلی ۳۴ هزار و ۹۸۹ رأی، محمد باقر قالیباف ۱۰ هزار و ۷۷۲ رأی و مصطفی پورمحمدی ۷۵۲ رأی کسب کردند.

در شهرستان گناوه، مسعود پزشکیان ۱۲ هزار و ۴۲۱ رأی، سعید جلیلی ۱۰ هزار و ۷۶۸ رأی، محمد باقر قالیباف ۲ هزار و ۷۹۸ رأی و مصطفی پورمحمدی ۲۰۰ رأی کسب کردند.

در شهرستان دیلم، مسعود پزشکیان چهار هزار و ۶۲۱ رأی، سعید جلیلی پنج هزار و ۶۴۲ رأی، محمد باقر قالیباف هزار و ۱۲۸ رأی و مصطفی پورمحمدی ۸۰ رأی کسب کردند.

در شهرستان دشتستان، مسعود پزشکیان ۲۵ هزار و ۸۳۸ رأی، سعید جلیلی ۳۸ هزار و ۷۹۰ رأی، محمد باقر قالیباف ۹ هزار و ۹۱۷ رأی و مصطفی پورمحمدی ۴۶۱ رأی کسب کردند.

در شهرستان دشتی، مسعود پزشکیان ۱۱ هزار و ۷۳۲ رأی، سعید جلیلی ۲۰ هزار و ۱۰۷ رأی، محمد باقر قالیباف سه هزار و ۳۲ رأی و مصطفی پورمحمدی ۲۴۲ رأی کسب کردند.

در شهرستان تنگستان، مسعود پزشکیان ۹ هزار و ۴۲۷ رأی، سعید جلیلی ۱۶ هزار و ۱۰۷ رأی، محمد باقر قالیباف سه هزار و ۸۵۰ رأی و مصطفی پورمحمدی ۱۶۰ رأی کسب کردند.

در شهرستان کنگان، مسعود پزشکیان ۱۱ هزار و ۵۴۴ رأی، سعید جلیلی ۱۲ هزار و ۶۹۵ رأی، محمد باقر قالیباف ۲ هزار و ۹۵۶ رأی و مصطفی پورمحمدی ۲۲۶ رأی کسب کردند.

در شهرستان دیر، مسعود پزشکیان هشت هزار و یک رأی، سعید جلیلی ۱۳ هزار و ۷۳۷ رأی، محمد باقر قالیباف هزار و ۸۶۱ رأی و مصطفی پورمحمدی ۱۳۴ رأی کسب کردند.

در شهرستان جم، مسعود پزشکیان ۱۰ هزار و ۹۷۶ رأی، سعید جلیلی هشت هزار و ۶۵۴ رأی، محمد باقر قالیباف هزار و ۹۲۵ رأی و مصطفی پورمحمدی ۱۵۰ رأی کسب کردند.

در شهرستان عسلویه، مسعود پزشکیان ۱۵ هزار و ۱۹۲ رأی، سعید جلیلی پنج هزار و ۷۲۸ رأی، محمد باقر قالیباف سه هزار و ۱۰۱ رأی و مصطفی پورمحمدی ۲۱۳ رأی کسب کردند.

در مجموع همه شهرستان‌های استان بوشهر، مسعود پزشکیان ۱۴۴ هزار و ۱۳۸ رأی، سعید جلیلی ۱۶۷ هزار و ۲۱۷ رأی، محمدباقر قالیباف ۴۰ هزار و ۸۵۰ رأی و مصطفی پورمحمدی ۲ هزار و ۶۱۸ رأی کسب کردند.

استان بوشهر در مجموع ۸۰۶ هزار و ۳۴۲ نفر واجد شرایط رأی دادن داشت که ۳۷۴ هزار و ۳۴۵ نفر در این انتخابات شرکت کردند.

سبد رای قالیباف به سبد چه کاندیدایی ریخته می‌شود؟

حسین نقاشی: جنس سبد رای و رای‌دهندگان آقای قالیباف یک مقدار متنوع‌تر از آقای جلیلی است. به نظر من بخشی از رای‌دهندگان به آقای قالیباف او را به عنوان چهره‌ای می‌بینند که رویکردهایی بوروکراتیک دارد، بخشی که حتی ممکن است سبک زندگی و ایده‌آل‌های فکری متفاوتی با نیروهای اصول‌گرا داشته باشند. یعنی افرادی هستند که موضع عقیدتی و سبک زندگی مشترکی با اصول‌گرایان ندارند اما آقای قالیباف را به‌عنوان فردی اجرایی می‌شناسند ولی در مقابل رای‌دهندگان به آقای جلیلی این‌طور نیستند. با این اوصاف به نظر می‌رسد که افرادی که در دور اول به آقای جلیلی رای داده‌اند مجدداً با رویکرد تکلیف‌گرا پای کار خواهند بود اما ممکن است همه سبد رای آقای قالیباف به سبد رای آقای جلیلی ریخته نشود و کسری از آن رای ممکن است به سمت آقای پزشکیان برود.

اعلام حمایت مسئول ستاد قالیباف شهر جم از پزشکیان

بنام یزدان پاک ، مردم شریف و بزرگوار شهرستان جم

اینجانب سید عبدالرضا سجادی فرزندی از این دیار برابر وظیفه شرعی و قانونی خود در مسیر انتخابات قدم برداشتم و در این کارزار مسئول ستاد شهر آقای دکتر محمد باقر قالیباف انتخاب شدم،که برابر فرایند انتخابات و قانون تعیینی، انتخابات به دور دوم کشیده شد و برای دو کاندیدای انتخاب شده در این میدان مطلق دموکراسی آرزوی موفقیت دارم و ضمن سپاس از همه ایرانیان عزیز از باب مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و ایجاد حماسه حضور و تقاضا از باب مشارکت حداکثری در ۱۵ تیرماه و انتخابات دور دوم ریاست جمهوری امید به فردایی روشن دارم، حال که بی شک در دور دوم نیز بر خود فرض و واجب می‌دانم که در انتخابات شرکت کنم قطعا می‌بایست فردی انتخاب کنم که آینده این مرز و بوم را آن‌گونه رقم بزند که شایسته آنیم.

و حال ذکر مطلبی با شما مردم شریف دیارم ،

وقت آن رسیده است که خودمان برای سربلندی کشور دست به کار شویم و مدافع عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشیم، رای ما سرمایه‌گذاری در آینده کشور است. با آن، به سمت فردایی بهتر حرکت می‌کنیم، اینجانب با توجه به تحقیقات جامع و تماشا و تشریع مناظره های انجام شده در رسانه ملی و استماع بیانات جناب دکتر پزشکیان در سمینارهای انتخاباتی و شناختی که از ایشان داشته و دارم و نظر به دیدگاه‌ها و مواضع بجا و دلسوزانه ایشان در مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و داشتن خصایصی نظیر سلامت و پاکدستی، شجاعت و پایمردی، تواضع و فروتنی و پایبندی به موازین اخلاقی و راستگویی و عدم دادن وعده و وعیدهای نابجا، علی‌الخصوص جملات مکرر و پیوسته ایشان نسبت به مقام‌معظم رهبری و رهنمودهای ایشان ، از آن بزرگوار حمایت کرده و به او رأی می دهم ... امید است که همه ما در این راستا انتخابی داشته باشیم شایسته جهت آینده ای روشن و پر نور برای مام وطن.

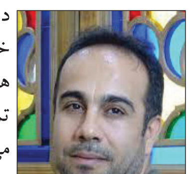
خداوند یار و همراه همه شما همشهریان عزیزم باشد.

سید عبدالرضا سجادی مسئول ستاد دکتر محمد باقر قالیباف شهر جم

ترس و بنیادهای روان‌شناختی دموکراسی

عبدالخالق ماجدی





دوستان نزدیک و خانواده‌ام می‌دانند که من همیشه رای می‌دهم و در تمام انتخابات‌ها شرکت می‌کنم.دوست دارم به دلایل روان‌شناختی آن اشاره و به نوعی از این کنش فردی- اجتماعی پرده‌برداری کنم.

قاعدتا می‌بایست با نیکول ماکیاولی(۱۵۲۷-۱۴۶۹) شروع کنم ولی عامدانه در کانون مرکزی متن، توماس هابز(۱۶۷۹-۱۵۸۸) فیلسوف انگلیسی را قرار می‌دهم. زمانه پرآشوب کودکی هابز، از او شخصیتی ترسو ساخته بود. همین ویژگی بسیار مهم روان‌شناختی باعث شد که با نوشتن کتاب «لِویاتان» همیشه از او به عنوان نظریه پرداز «سیاست مدرن» یاد شود. هابز در این کتاب آدم مصنوعی‌ای را بنام لِویاتان خلق می کند تا بتواند از ضعیفان و ترسوهای جامعه در مقابل آدم طبیعی که شرارت و دِژخیمی بارزترین صفت‌اش و کاربردی‌ترین ابزار زندگی‌اش خشونت بود محافظت کند. «وضع مصنوعی» ای ساخته شد تا بتواند بر «وضع طبیعی» غلبه کند. در وضع طبیعیِ جنگلی، قانون و ابزار اصلی حاکم در جنگلَ و طبیعت برای زنده ماندن و بقا، زور و قدرت فیزیکی بود.

هانس بلومنبرگ(۱۹۹۶-۱۹۲۰) فیلسوف آلمانی و نویسنده کتاب «مشروعیت عصر مدرن» از تمثیل بسیار زیبای «غار» برای توصیفِ تاریخیِ زیستِ پیشامدرن استفاده می کند. انسان‌ها برایَ فرار از جباریت،خشونت و درندگی طاقت‌فرسای زیست طبیعی به غارها پناه می‌آوردند تا زنده بمانند. غار برای ترسوها و ضعیفان، مکانی امن بود. اقامت اجباری طولانی مدت در غار، ترسوها را تخیل پرداز می‌کرد و آن‌ها برای زنده ماندن و تامین آب و غذا مورد نیازشان، شروع به داستان سُرایی می‌کردند.

یکی از داستان‌هایی که انسان‌های ترسو در غارها تخیل کردند ساختن موجودی به نام لِویاتان بود. لِویاتان تخیلیِ به ظاهر شجاع می‌بایست امنیت،آب و غذا برِای ضعیفان و ترسوها تامین می‌کرد. در ادامه این مسیر تاریخی، انسان‌های ترسو داستان‌های بالغانه و آرمان‌های نُوینی به نام توافق، قرارداد و قانون خلق کردند که به تدریج جنگل وحشی به جامعه تبدیل شد.

دموکراسی و صندوق رای، بالغانه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش و داستانی بود که انسان‌های ترسو آفریدند. انسان‌های ترسو با استفاده از «کلمه» و معجزه‌ای که کلمه و کلام می‌کند نیزه/چماق/سنگ/کمان/اسلحه را از «میدان» خارج کرده و جامعه را به یک «صلح» موقتی و نسبی می‌رسانند. انتخابات و صندوق رای یک «امکان» مصنوعیِ بالغانه «مُصلحانه» بشری است که با توجه به داَستانی که روایت کردم برای «اجتناب» از خشونت و منازعه و کشتار در جنگل/ خیابان برساخته شده است. توجه به اکثریت آرا و خواست و مصلحت عمومی، یک روش عقلی و همچنین یک امکانِ «سلبی» می‌باشد چون‌که براساس اجتناب از خشونت و سلب نکردن امنیت جامعه و توجه به حقوق عامه پایه‌گذاری می‌شود. جاده تاریخ و راه باریکِ پُر دست‌انداز صُلح، یکطرفه و بی‌بازگشتَ نمی‌باشد و اساسا دموکراسی برمبنای ترس و پرهیز از تکرار تراژدی‌های پیشینی صورت‌بندی شده است. تصحیح مداوم قوانین و قراردادهای اجتماعی، راه بازگشت به وضعیت‌های تراژدیک طبیعی پیشینی را به صورت موقت(!) می‌بندد.

انسدادکنندگان و تحریم‌کنندگان فرصت و امکانِ انتخابات هم حتما می‌بایست به اقتصاد خیابانَ توجه کنند و به این سوال، پاسخ وجدانی داده که هزینه‌های جانی بی‌بازگشتِ بازگشت به وضع طبیعی از کدامین ماخذ و حسَاب پرداخت خواهد شد.

داستان اصلی، بقا و ترس از نابودی و مرگ است. دوستان نزدیکم خوب می‌دانند که من بسیار ترسو هستم و بخاطر همین ترسم بود که معلم شدم تا بتوانم با «کلمه» و داستان‌سُرایی و تاریخ‌گرایی، خبر از احتمال ظهور تراژدی‌های پسینی بدهم. از یاد نبریم که سایه ترس همیشه بر اندام‌واره دموکراسی سنگینی می‌کند و یا دقیق‌تر این‌که ذره ذره نطفه دموکراسی براساس ترس در زِهدان تاریخ بسته شد

چرا بیش از شصت درصد در انتخابات شرکت نکردند و چگونه می‌توان آنان را امیدوار به مشارکت کرد؟

قهرکردگان و مسئولیت پزشکیان

احسان هوشمند، پژوهشگر سیاسی



انتخابات هشتم تیرماه در حالی به دور دوم کشیده شد که میزان مشارکت در انتخابات نسبت به دوره پیشین و معدل مشارکت در تمام انتخابات ریاست‌جمهوری ادوار گذشته کشور با رشد منفی قابل‌توجهی مواجه شده بود.
حمایت تمام‌قد اصلاح‌طلبان و شخص سیدمحمد خاتمی و اعتدالی‌های نزدیک به حسن روحانی از کاندیداتوری آقای پزشکیان و این مفروض که حضور پزشکیان موجب رشد مشارکت در استان‌های شمال غرب و نیز جنوب غربی و جنوب شرقی می‌شود، موجب امیدواری زیادی در میان ستاد انتخاباتی و نزدیکان آقای پزشکیان شده بود.
همچنین، انتشار اخباری که بر پایه نظرسنجی‌ها، که درصد مشارکت قطعی بین ۴۲ تا ۵۶درصد و یا برآوردهایی که برای درصد مشارکت قطعی نرخ ۴۴ تا ۵۲ درصد واجدین آرا را پیش‌بینی کرده بود نیز از دیگر مشخصه‌های فضای انتخابات در این روزها بود که امید به پیروزی نامزد اصلاح‌طلبان در مرحله نخست را تقویت کرده بود. اما اعلام نتایج انتخابات در نهم‌تیرماه نشانگر مشارکت کمتر از ۴۰درصد واجدین آرا بود و مشخص شد که در استان‌های شمال غرب مانند آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان و کردستان و نیز سیستان‌وبلوچستان و خوزستان نرخ مشارکت تفاوت چندانی با دیگر نقاط کشور نداشت.
همچنین، با اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری مشخص شد برآوردهای میزان مشارکت در انتخابات که بر مبنای نظرسنجی‌ها صورت گرفته بود، با واقعیت فاصله زیادی داشت. چرا به‌رغم حضور اصلاح‌طلبان و چهره‌های اصلی اصلاحات نظیر آقای سیدمحمد خاتمی و نیز اعتدالی‌هایی نظیر آقای ظریف در تبلیغات انتخاباتی، مشارکت در انتخابات به لااقل ۵۰درصد واجدین مشارکت نرسید؟
آیا متغیرهایی چون اعلام اصلاح‌طلبان بر رقابتی بودن انتخابات، حضور صدای متفاوت در انتخابات، مشارکت چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب در ستاد انتخاباتی و حضور دو جناح اصلی کشور در انتخابات برای افزایش مشارکت در انتخابات کافی نبود؟

۱- اصلاح‌طلبان اعلام کردند با حضور آقای پزشکیان انتخابات رقابتی شده است. اما چرا باید تنها به دلیل حضور نامزدی چون آقای پزشکیان، انتخابات رقابتی شود و مشخص نبود بر چه پایه‌ای این ادعا سنجیده شده است؟ یعنی، مشخص نبود اصلاح‌طلبان بر مبنای چه شاخصی انتخابات را رقابتی دانستند؟ آیا حضور نامزد موردنظر اصلاح‌طلبان تنها شاخصی است که می‌توان بر مبنای آن انتخابات را رقابتی دانست؟ یا بر مبنای تحولات صورت گرفته در فضای سیاسی کشور در یک دهه گذشته، باید برای رقابتی بودن انتخابات به دنبال شاخص‌های دیگری بود؟ به سخن دیگر، تنها با شاخص حضور یک نامزد اصلاح‌طلب که تأییدصلاحیت شده، می‌توان به رقابتی بودن جدی انتخابات حکم داد؟ از منظری دیگر، آیا عدم مشارکت بخش بزرگی از رای‌دهندگان را می‌توان بر مبنای کاریزمای چهره‌های تأییدصلاحیت‌شده مورد ارزیابی قرار داد؟
یعنی حکم داد که در میان نامزدهای موجود، کاریزمای لازم که بتواند به جذب مشارکت گسترده شهروندان منجر شود، وجود نداشت. در همین زمینه، برخی در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی بر این باورند که حضور اشخاص درجه دوم در مقام کاندیداتوری ریاست‌جمهوری موجب عدم‌مشارکت اکثریت جامعه شده است. یعنی از نظر بخشی از افکارعمومی، نامزدها از توانایی لازم برای نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری برخوردار نبودند. اگرچه بخشی از چنین مفروضاتی می‌تواند درست باشد، اما تنها با این مفروضات نمی‌توان به تحلیل تام‌وتمام موضوع دست یازید. این دست از تحلیل‌ها بیش از آنکه ساختاری به تحلیل و ارزیابی بپردازد، میزان مشارکت را تنها در ویژگی‌های فردی نامزدهای انتخابات جست‌وجو می‌کند.
اگرچه سابقه و ویژگی‌های نامزدهای ریاست‌جمهوری می‌تواند در جلب اعتماد بخش بزرگی از شهروندان مورد توجه قرار گیرد؛ اما نمی‌توان تنها براساس شاخص‌های فردی نامزدها، به ارزیابی چرایی عدم‌مشارکت بخش بزرگی از ایرانیان در انتخابات پرداخت. این نوع ارزیابی‌ها عوامل مؤثر بر میزان مشارکت را به شاخص‌های فردی نامزدها تقلیل می‌دهد و دچار نوعی تقلیل‌گرایی است.

۲- در ۱۰سال گذشته حوادث و رویدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل‌توجهی در کشور بروز کرده است. از سویی، با استمرار تورم ۴۰درصدی در دوره‌ای چندساله و گرانی ناشی از آن، قدرت خرید بخش بزرگی از شهروندان دچار بحران شده است. افزایش بی‌رویه کرایه منزل، قیمت مسکن، قیمت مواد خوراکی، هزینه‌های بهداشتی و درمانی و دیگر کالاهای ضروری و رفاهی موجب شده تا شهروندان ایرانی در سال‌های اخیر شرایط سخت و دشواری را تجربه کنند. این وضعیت، پیامدهای سهمناکی بر مناسبات خانوادگی و آرامش درون خانواده‌ها و آرامش روانی شهروندان بر جای گذارده است.
افزایش تنش‌های خانوادگی، افزایش طلاق، افزایش آسیب‌های اجتماعی، کاهش تعداد فرزند، افزایش ناکامی و دیگر پیامدهای روانشناختی و اجتماعی از جمله پیامدهای استمرار وضعیت فعلی است. همچنین، در سال‌های گذشته بروز برخی اعتراض‌های اجتماعی هزینه‌های عینی و روانی قابل‌توجهی بر جای گذارده است. حوادث سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ موجب شد تا افزون بر جان باختن گروهی از هموطنان، فضای جامعه به‌شدت دوقطبی شود. عدم‌پاسخگویی جدی به چرایی بروز این رویدادهای غم‌انگیز و اصرار بخشی از حاکمیت به اعمال فشار به هموطنان از طریق طرح‌هایی چون «طرح نور» درباره حجاب بانوان و اصرار بر محدودیت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی از طریق فیلترینگ هم پیامدهای روانی اجتماعی خود را در پی داشت.
این حجم از فشار ناشی از عوامل عینی و عوامل ذهنی از تورم و گرانی، بیکاری گسترده نسل جوان، به‌خصوص بیکاری تحصیلکردگان دوره‌های مختلف دانشگاهی، مهاجرت صاحبان تخصص و جوانان و صاحبان سرمایه به خارج از کشور، اعمال فشار به هنرمندان و سلبریتی‌ها و ورزشکاران ناهمسو و اخراج برخی استادان و دانشجویان و بازداشت شماری دیگر موجب بروز نارضایتی گسترده اجتماعی در میان بخش بزرگی از ایرانیان شد.
اگر حجم فساد و نارضایتی اجتماعی عمیق از وجود فساد در لایه‌های مختلف دستگاه‌های بوروکراتیک و همچنین مسائل مرتبط با سیاست‌خارجی را هم بر سیاهه مسائل کشور بیافزاییم؛ آیا تنها و تنها با اعلام نامزدی یک چهره از میان اصلاح‌طلبان چنین امکانی وجود داشت که بتوان بر این حجم از نارضایتی و ناراحتی و حتی خشم غلبه یافت؟ آیا اصلاح‌طلبان دچار خطای بزرگنمایی جایگاه خود در نزد افکارعمومی نشده بودند؟

۳- انتخابات اخیر در روز جمعه هشتم‌تیرماه نشان داد که با توجه به نارضایتی‌های گسترده و فشارهای عینی و روانی واردشده بر شهروندان و اذعان هر دو جناح کشور بر نابسامانی موجود، تنها اعتراف به وجود مشکلات برای جلب مشارکت شهروندان کافی نبود. بیان صریح آقای پزشکیان که برنامه‌ای ندارد و در صورت نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری تنها با اجرای درست سیاست‌های کلی کشور که توسط عالی‌ترین مقام کشور ابلاغ شده و بر مبنای آن کشور را مدیریت می‌کند، نتوانست به جلب اعتماد بیش از نیمی از شهروندان ایرانی حتی در استان محل تولد و زندگی آقای پزشکیان منجر شود. پس باید به صورت جدی به صورت‌مسئله توجه کرد.

۴- آیا همچنان در روزهای باقیمانده یعنی در کمتر از چند روز آینده برای آقای پزشکیان و جریان اصلاحات راهی هست تا بتوان بخش بزرگی از شهروندان قهرکرده با صندوق رای را به پای صندوق‌های رأی آورد؟ به نظر می‌رسد در این فرصت کوتاه چنین امکانی چندان به‌سادگی در دسترس نیست؛ مگر آنکه مسعود پزشکیان با استفاده از فرصت باقیمانده صادقانه با ملت ایران سخن بگوید و با اذعان به وجود مشکلات و مسائل پیش روی کشور اعلام کند که نه برای همه مسائل کشور بلکه برای ۴ یا ۵ چالش و مسئله اصلی کشور برنامه‌هایی دارد و بگوید که برای اجرای چنین برنامه‌ای چگونه عمل می‌کند؟ از چه ابزارهایی استفاده می‌کند؟ و ملزومات اجرای چنین برنامه‌ای برای رسیدن به هدف چیست؟ همچنین راه‌حل ایشان برای مدیریت مقاومت‌ها و سنگ‌اندازی‌ها چیست؟ و در صورت عدم موفقیت یا برخورد با موانع سخت برای اجرای برنامه‌هایی که به مردم وعده می‌دهند، راه‌حل ایشان چیست؟
در یک کلام، برای بازگرداندن امید و جلب مشارکت مستمر ملت ایران در دوره چهارساله چه برنامه‌ای دارند؟ همچنین، اگر ایشان در اجرای برنامه‌های خود ناکام شوند و یا با مقاومت‌هایی روبه‌رو شوند، آیا ازپشتوانه رأی خود استفاده می‌کنند؟ چگونه چنین می‌کنند؟ به دیگر سخن، جا دارد پزشکیان با صراحت با مردم گفت‌وگو کند و تعهد دهد که برای تنها ۴ یا ۵ یا چند چالش و مشکل اصلی کشور با برنامه‌ای کارشناسی‌شده و ملی‌اندیشانه تلاش می‌کند این مشکلات و چالش‌ها را مدیریت کند و در صورت بروز موانع با ملت سخن می‌گوید و از توان بزرگ ملی برای فائق آمدن بر چالش‌ها استفاده می‌کند... انتخابات جمعه محکی برای مدیریت چهار سال آینده کشور است. باید منتظر ماند و دید که آیا راهی برای بازگرداندن امید به بیش از ۶۰درصد از ملت ایران وجود دارد؟ یا اینکه انتخابات پیش رو دوباره به صدارت اقلیت بر اکثریت ملت ایران ختم می‌شود؟

زندگی آگاهانه

مسئولیت در مقابل جامعه

حسین زیرراهی– مدرس توسعه فردی



ما انسان‌ها به صورت انفرادی در طبیعت در رده ضعیف‌ترین گونه‌ها قرار داریم ولی به صورت جمعی قویترین هستیم. تقریبا هر دستاوردی که بشر تا کنون داشته به صورت جمعی به دست آمده است. حتی کسانی که به تنهایی چیزی اختراع یا کشف کرده‌اند پایه کار خود را بر یافته‌های دانشمندان قبل از خود گذاشته‌اند. بنابراین سود فردی و جمعی ما کاملا در هم تنیده و متاثر از یکدیگر است. مقوله مسئولیت‌پذیری در رشد فردی به معنی پذیرش مسئولیت زندگی خود است. ولی همین مسئولیت در مقابل خود به صورت غیرمستقیم بر جامعه هم اثر می‌گذارد. زیرا منفعت فردی و جمعی از هم جدا نیست. مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه را می‌توان به طرق مختلف عملی کرد. مانند کمک به انسانهای دیگر، کمک به ساخت و حفظ زیرساختهای زندگی جمعی، کمک به حفظ کره زمین و مشارکت در تصمیم گیری جمعی.
مبنای کمک به انسان‌های دیگر پذیرش این حقیقت است که ساختار حیات بر اساس عدالت نیست. یعنی انسانها با توانایی، استعداد، کیفیت خانواده و جامعه یکسان به دنیا نمی‌آیند. در نتیجه در طیف گسترده‌ای از ضعیف‌ترین تا قوی‌ترین تقسیم می‌شوند. این عدم عدالت و برخورداری لازم می‌دارد همواره قویترها دست ضعیف‌ترها را بگیرند. پس یکی از مسئولیت‌های ما در زندگی کمک به کسانی است که از ما ضعیف‌ترند. البته همیشه تا جایی که منابع ما مانند وقت، نیرو و پولمان اجازه می‌دهد.
مسئولیت دیگر ما در مقابل جامعه کمک به ساخت و نگهداری از شهر و دیارمان است. این کمک می‌تواند همکاری در ساخت تا عدم تخریب و نابودی امکاناتی است که جامعه از آن استفاده می‌کند. یا همان مثال قدیمی شهر ما خانه ما. اگر نمی‌توانیم چیزی به امکانات زندگی جمعی و جامعه خود چیزی اضافه کنیم حداقل از آن چیزی کم نکنیم. اگر زباله‌ای از روی زمین برنمی‌داریم حداقل چیزی بر زمین نیاندازیم. فرهنگی که امروز در کشورهای توسعه یافته امری بدیهی به حساب می‌آید. مسئولیت در مقابل حیات و طبیعت کره زمین هم به همین شکل است. ما حق نداریم بخاطر منفعت شخصی خود به زمین آسیب وارد کنیم. چون آسیبی که ما وارد می‌کنیم به زندگی دیگر انسانها و موجودات آسیب می‌رساند.
مشارکت در تصمیم‌گیری و انتخاب مدیران جامعه هم بخشی از مسئولیت ما در مقابل جامعه است. اگر به مردان سیاست و مدیران کشور و نوع مدیریتشان اعتراض داریم باید اعتراض خود را در عمل نشان دهیم. مشارکت در تصمیم‌گیری هم می‌تواند بصورت شرکت در انتخابات و انتخاب فرد مناسبتر باشد و هم به صورت عدم شرکت به دلیل اعتراض به محدودیت انتخاب باشد. هر دو در صورتی که آگاهانه رخ دهد عملی مسئولانه است. آگاهانه به این معنی که دقت کنیم کدام یک به نفع جامعه است. در نهایت مهم این است که در مقابل سرنوشت جامعه بی‌اعتنا نباشیم. ولی کسی که فقط به فکر زندگی و منفعت شخصی خود است و با جمله من سیاسی نیستم مساله را از سر خود وا می‌کند مسئولانه رفتار نمی‌کند. این منفعت‌طلبی شخصی در نهایت به کلیت جامعه آسیب وارد می‌کند.

طرحی که پزشکیان امضا کرده بود مربوط به مقابله با فساد اداری است، نه گشت ارشاد!

علی اصغر سیدآبادی: ناگهان فضای مجازی را پر کردند که پزشکیان طرح امر به معروف و نهی از منکر و گشت ارشاد را امضا کرده و حالا برای رای جمع کردن با گشت ارشاد و ... مخالفت می‌کند، اما متن طرح را که می‌بینی ربطی به حجاب و گشت ارشاد ندارد، بلکه برای مقابله با فساد اداری است.

جالب است خودشان رسماً و علناً از گشت ارشاد حمایت می کنند و آن را مایه افتخار خود می دانند ولی برای کوبیدن حریف او را به «دروغ» متهم می‌کنند که حامی گشت ارشاد بوده است!

خدایا این سرزمین را از دروغ، خشکسالی و دشمن، نجات بده.

دفترچه تلفن بهزاد

بهزاد نبوی: دفترچه تلفنم را برداشته‌ام و به همه در حال زنگ زدن و خواهش کردن برای رای به پزشکیان هستم. تلاش ما باید معطوف به ناامیدانی باشد که فکر می‌کنند تفاوتی بین کاندیداها نیست. تنها راه برای تغییر وضع موجود به وضع مطلوب رای دادن است.

پزشکیان را از مجلس ششم می‌شناسم و از او دفاع کرده‌ام. دکتر پزشکیان مناسب‌ترین فردی است که در شرایط فعلی می‌تواند کشور را اداره کند.

کمپین پزشکیان از یک اصول اخلاقی تبعیت می‌کند

فیاض زاهد: انتخابات در مرحله اول یک پیام روشن داشت و آن تا حد زیادی خلع مشروعیت کردن از جریانات سنتی سیاسی و دادن این پیام روشن است که سازوکارها و رفتارهایی که در فضای سیاسی و حزبی می‌شناسیم دیگر کارآمدی خود را از دست داده است. فکر می‌کنم پس از جنبش مهسا این موضوع هم تسری پیدا کرده است و میزان مشارکت این موضوع را ثابت کرد. با این حال اگر اصلاح‌طلب‌ها وارد فضای انتخابات نمی‌شدند، وضعیت به‌مراتب بحرانی‌تری داشتیم. اما با توجه به این‌که الان آقایان پزشکیان و جلیلی به دور دوم راه پیدا کرده‌اند، به نظر می‌رسد که شاید شاهد مشارکت بیشتر و توجه بیشتری به راهبردهای منجر به اصلاح‌طلبی باشیم. به نظر من دوقطبی قابل تأملی صورت خواهد گرفت اما اگر فرض بر این باشد که تبدیل به یک واکنش بسیار جدی شود را بسیار بعید می‌دانم چراکه جریان بنیادگرایی در ایران ریشه و عمق چندانی ندارد و بیشترین مشکل سمت نیروهای اصلاح‌طلب هستند که همواره می‌توانستند پایگاه‌های عمده خود را تا ۷۰ درصد مشارکت به پای صندوق‌های رای بیاورند و آن‌ها دیگر خیلی نوع رویکرد و راهبردشان نسبت به افکار اینها متفاوت است اما جمع‌بندی عمومی این است که جریان آقای جلیلی آن‌قدر می‌تواند مردم را نگران کند که سطح مشارکت را نسبت به دوره قبل افزایش دهد.

فکر می‌کنم اختلافات عمیقی که میان آقای قالیباف و جلیلی در جریان است، و تلاشی که برای رسیدن به یک ائتلاف رخ نداد و از آن سو نجابت و شرافت دکتر پزشکیان و همین‌طور اصلاح‌طلبان که در عدم تکیه بر نقاط ضعف کاندیداها از خود نشان دادند، و همچنین بی‌اخلاقی‌های زاکانی و قاضی‌زاده‌هاشمی منجر به شکاف و ریزش بیشتر در بین آنها شد و به نظر می‌رسد که کمپین آقای پزشکیان از یک اصول اخلاقی تبعیت کرد و فکر می‌کنم جواب این را نیز در روز جمعه خواهد گرفت.

انتخاب دکتر پزشکیان، برای مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی

دکتر عبدالرحیم مهرور



برای فردای بهتر پیش بسوی دولت فراگیر وحدت ملی همراه با تمام اقوام ایرانی.

دکتر مسعود پزشکیان پزشک و جراح، قلبهایی است که سالهاست بعلت تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها از هم گسسته و ناپیوسته شده، طبیب میلیونها دل‌هایی که از بی مهری‌ها و درد و رنج دوران‌ها دهه هاست که از همدیگر فاصله گرفته‌اند و اکنون پیوند زننده این گسست‌هاست.

دولت دکتر پزشکیان اولین دولتی خواهد بود که بعد از چهار دهه با پشتوانه همه اقوام ایرانی، فراجناحی و همراه با وفاق ملی پا به عرصه مبارزات انتخاباتی میگذارد به همین منظور :

تا آخر کنارش می‌مانیم و آنگاه سرودهای ملی برای دولتش می‌خوانیم زیرا دکتر پزشکیان انسان ترک تباری است که خواهان بازگشت و سهم خواهی همه اقوام ایران؛ لر و کرد، ترک و ترکمن، بلوچ و گیلک و عرب و عجم است.

اما اکنون در عجبم با اینکه رقبای انتخاباتی ایشان می‌دانند هیچگونه کار نامه سیاهی ندارد چگونه با ترفند و حیله گری ناجوانمردانه به بهانه دولت سوم روحانی تخریبش می کنند.

گیرم که برخی از حامیان دولت روحانی در کابینه پزشکیان باشند، مگر وزرای دولت احمدی‌نژاد هم اکنون در دولت سیزدهم نیستند چرا برای این دولت بهانه تراشی نمی کنید؟

دست بردارید از این همه وقاحت، فتنه و عوامفریبی، لطفا کمی هم انصاف سرلوحه کارتان قرار دهید.

فعال شدن آراء خاکستری برای پزشکیان



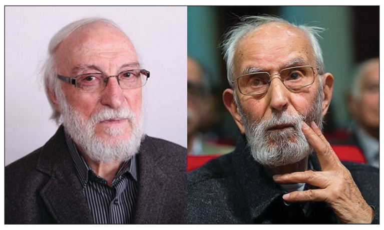
تقی آزادارمکی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه در گفت‌وگو با جماران درباره احتمال ریخته شدن بخشی از سبد رای محمدباقر قالیباف به سبد رای مسعود پزشکیان در دور دوم انتخابات گفت: «چون اصولگرایی میانه‌رو و عاقل شکست خورده، چاره‌ای ندارند جز این‌که ریشه شکست‌شان را در کلک اصولگرایی رادیکال قلمداد کنند؛ تا بی‌اعتنایی جامعه. او نمی‌گوید جامعه کاندیدای من را قبول نکرده و باید بگویند که کلک خورده و باید این کلک خوردن را تلافی کنند؛ و تلافی این است که به سمت اصلاح‌طلبان میانه‌رو یا اصلاح‌طلبان نزدیک به اصولگرایی میانه‌رو بروند.»

او همچنین گفت: «یک چیز دیگر هم وجود دارد. بخشی از جامعه که شرکت نکرد، این دفعه شرکت می‌کند و ترمیم می‌کند. به خاطر این‌که باورش نمی‌شد و فکر می‌کرد انتخابات یک چیز فرمال و رسمی است و کاندیدای خودشان را خواهند آورد. آن‌ها متوجه شدند که می‌شود اصلاح‌طلبی را حمایت کرد و عامل، مانع و مقاومتی در نظام سیاسی مقابل اصولگرایی پیدا شود. من دارم به آن فکر می‌کنم و خیلی اعتقاد ندارم که رأی آقای قالیباف به آقای پزشکیان منتقل شود. ولی رأی نسبتاً یک درصدی که من می‌شناختم و با آن‌ها صحبت می‌کردم و می‌گفتند ما رأی بدهیم یا ندهیم رئیس‌جمهور معلوم است، برای آقای پزشکیان فعال خواهد شد.»

آزاد ارمکی در بخش دیگری گفت: «باید جامعه مجاب شود و رأی خاموش را به سمت دغدغه تغییر برد. یعنی از کسانی که با ملاحظات سیاسی در انتخابات شرکت نکرده‌اند، مثل اینکه رأی شما به جمهوری اسلامی است، را دعوت کرد. به نظر من این چیزی است که الآن جامعه باید روی آن کار کند و رأی را به آقای پزشکیان رأی به تغییر روش‌ها و شیوه‌ها است. اگر این گام بلند شود رأی خواهد آورد؛ وگرنه ممکن است باز دچار چالش‌های عمده و اساسی شود.»

حمایت استاد محمد علی موحد (عرفان‌پژوه، تاریخ‌پژوه و حقوقدان برجسته ایرانی) و استاد محمد مجتهد شبستری (دین‌پژوه و روشنفکر برجسته)

از پزشکیان بوی صداقت می‌شنویم



ما از مسعود پزشکیان بوی صداقت می شنویم و در دور دوم هم به او رای می دهیم.

از هم میهنان عزیز بویژه جوانان دل‌آگاه انتظار داریم که به حساسیت موقف در شرایط خطیرِ موجود توجه کنند و به رغم تلخ‌کامی‌ها و آزردگی‌ها که دارند پای از معرکه بیرون نکشند.

همشهریان غیور ما در آذربایجان این شعر شهریار را به یاد بیاورند که گفت:

هنوز از ماست ایران را اگر روزی فرج باشد!

محمد مجتهد شبستری – محمدعلی موحد

جریان اصولگرا نقطه ضعفی در پزشکیان پیدا نمی‌کند

محمد مهاجری: آرای خاموش و افرادی که در جریان تحریم هستند، عمده پایگاه رای اصلاح‌طلبان است. نمی‌دانم در این چند روز مانده تا انتخابات دور دوم ریاست‌جمهوری، جریان اصلاح‌طلب چه قدر می‌تواند با گفتمان مؤثر آرای خاموش را پای صندوق رای بیاورد. اما نکته مهم این است که بخش عمده‌ای از جامعه با انتخابات، فعالیت و کنش سیاسی قهر کرده‌اند. ۷۳ درصد از مردم در انتخابات ۹۶ شرکت کردند. این رقم به ۴۰ درصد رسیده است و ۳۳درصد کاهش پیدا کرده که حدود ۱۸ میلیون نفر هستند.

اصلاح‌طلبان یک پایگاه و جمعیت ۱۸ میلیونی را ازدست داده‌اند و بیدار کردن چنین خفته‌ای نباید آسان باشد. نباید غافل شد که اصلاح‌طلبان چاره‌ای جز این ندارند که آراء را به سمت پزشکیان سوق دهند. اما نکته مهم این است که جریان اصولگرا نقطه ضعفی در پزشکیان پیدا نمی‌کند و مجبورند بیشترین حمله را معطوف به اطرافیان او کنند.

۱۵ تیرماه زمان یک تصمیم تاریخی

محسن برهانی حقوقدان با اشاره به نتایج مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری و در آستانه برگزاری مرحله دوم در پیامی به مردم گفت:

پیام ۸ تیر روشن و واضح بود و قابل تکرار، کما اینکه پیام ۱۵ تیر روشن خواهد بود و غیرقابل تفسیر. زمان نقد کردن رسیده است؛ قطعاً با هم‌افزایی می‌توانیم این امکان‌ها را به فعلیت برسانیم. ۱۵ تیرماه زمان یک حرکت جمعی و تصمیم تاریخی و زمان‌شناسانه است.

از این بهتر چه می‌خواستیم؟

محمدرضا جلالی پور، فعال سیاسی اصلاح طلب: پزشکیان وظیفه همه ما را سنگین‌تر کرد. دکتر در مناظره بی‌نظیر بود. از این بهتر چه می‌خواستیم؟ او تا جایی که می‌شد و جا داشت، حرفهای دل بسیاری از مردم را زد. حالا وظیفه ما سنگین‌تر شد. تلفن را بردارید و با آشنایان یا شهروندان درباره انتخابات، ایران و آینده گفتگو کنید.

پیروزی سه‌وجهی

سعید شریعتی، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد در صفحه توئیترش نوشت: «از منظر تحلیل راهبردی تا اینجای کار باورمندان به «اصلاحات ساختاری» به یک «پیروزی سه‌وجهی» دست یافتند؛ هم پیروزی پزشکیان، هم شکست قالیباف (به‌طور خاص) و هم عدم مشارکت ناراضیان. هر سه می‌تواند نیروی لازم برای پیشبرد راهبردی اصلاحات ساختاری را ایجاد کند.»



قشر مذهبی هم پزشکیان را پسندیده است

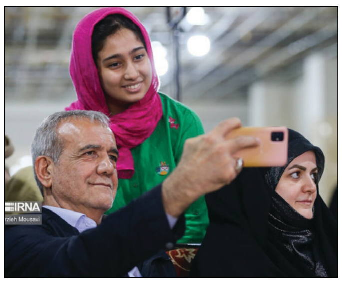
عبدالرضا داوری: تجربه نشان داده که نیمی از آرای آقای قالیباف به سبد پزشکیان سرازیر می‌شود. سال ۹۶ او دست آقای رئیسی را بلند کرد اما نیمی از آرای قالیباف به سبد رای روحانی رفت و این دوره هم این اتفاق می‌افتد چون سبد رای قالیباف سبد ایدئولوژیک نیست. بلکه سبد رای طبقه متوسط و قشر خاکستری است و شاید ۳۰ درصد آن ایدئولوژیک باشد. بنابراین آرای قالیباف ۳ بخش می‌شود. ۵۰ درصد آن به سبد رای پزشکیان می‌رود و ۳۰ درصد به سبد رای آقای جلیلی. ۲۰ درصد مابقی نیز منفعل می‌شود که یا رای باطله می‌دهند یا در انتخابات شرکت نمی‌کنند. این ۵۰ درصد تقریباً ۷ درصد آرا دوره اول را خواهند داشت.

ضمن آن‌که یک درصد از آرای آقای پورمحمدی هم به سبد آرای پزشکیان وارد می‌شود. اگر حدود دو سه درصد نرخ مشارکت بیشتر شود که ۱۰ درصد آرا (معادل شش میلیون رای) به رای پزشکیان اضافه شود به راحتی پیروز می‌شود. جلیلی ظرفیت افزایش رای ندارد و اگر ۳۰ درصد آرای قالیباف به او اختصاص یابد دیگر ظرفیت رشد آرا ندارد و حداکثر ۱۰/۵ تا ۱۱ میلیون رای می‌آورد و پزشکیان با ۱۶-۱۷ میلیون رای رئیس‌جمهور می‌شود. نظرسنجی‌ها حاکی از آن است که بخش مهمی از آرای پزشکیان در یک هفته آخر ایجاد شده است. در حقیقت در هفته جاری اگر مسئله به خوبی برای جامعه تشریح شود و خطر روی کار آمدن جریان تندرو و بنیادگرا برای مردم روشن شود، جامعه وارد صحنه شده و کار را تمام می‌کند چراکه قرار نیست اتفاق سختی رخ دهد و کافی است در حد دو سه درصد نرخ مشارکت افزایش پیدا کند.

اصولگرایان دیگر کاری از پیش نمی‌برند چراکه سقف رای خود را تجمیع کرده‌اند. ۳۰ درصد آرای قالیباف هم به سبد رای جلیلی وارد می‌شود که حدود یک میلیون رای است. ۱۱ میلیون سقف رای اصولگرایان است که به آن دست می‌یابند. بیانیه قالیباف هم به دلیل شرایط رای‌ای که دارد خیلی تاثیر نمی‌گذارد. شرایط رای طبقه متوسط و از جنس بوروکرات‌هایی است که قالیباف را می‌پسندند. سال ۹۶ قالیباف از رئیسی حمایت کرد اما ۵۰ درصد رای او به سبد روحانی سرازیر شد. ضمن آن‌که جلیلی هم وزانت رئیسی را ندارد. از سوی دیگر پزشکیان هم در طبقه حزب‌الهی و مذهبی کشور محبوب است، آنهم به دلیل نوع رویکرد مذهبی و استناداتش به نهج‌البلاغه و قرآن است. در حقیقت قشر مذهبی هم پزشکیان را پسندیده است. رای بالای پزشکیان در حداقل مشارکت (۴۰ درصدی) دلیل این موضوع است. در مجموع به پیروزی پزشکیان امیدوارم.

شناختی که از دکتر پزشکیان دارم

دکتر علی بهادر – فوق تخصص جراحی کودکان وپیوند اعضا



من دکتر پزشکیان را بیش از ۲۵ سال است که می‌شناسم، چه دوره‌ای که رئیس دانشگاه بود، چه زمانی که وزیر بود، چه هنگامی که نماینده بود، چه هر سال که ایشان را در هیئت بورد تخصص و فوق تخصص می‌دیدم. وی را فردی مسلمان ونه ریا کار، انقلابی و نه محدود گرا، متخصصی متعهد، عدالت گرا، افق دید باز و با صداقت می‌دانم.

اگر معتقد به این هستید که ایرانی داشته باشیم که شهروندانش در همه فرودگاه‌ها و کشورهای جهان، ارزش و احترام داشته باشد به ایشان رای دهید.

فرق می‌کند چه کسی رئیس‌جمهور باشد



بهزاد نبوی، سیاستمدار قدیمی و از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبان با اشاره به تجربه انتخابات ۷۶ گفت: «در سال ۷۶ ما خیلی تلاش کردیم که آقای مهندس موسوی نامزد شود. خیلی برای ما عیب بود که چپ خط امامی – آن زمان هنوز اصلاح‌طلبی اختراع نشده بود – نامزد نداشته باشد. آقای خاتمی فداکاری کرد روی مین رفت و حاضر شد که نامزد شود. امید همه ما این بود که خاتمی بیاید چهار یا پنج میلیون رای بیاورد. ما به همین قانع بودیم چپ خط امامی از صحنه حذف نشود. اما آقای خاتمی ۲۰ میلیون رای آورد. در شرایطی که مشارکت هم بالا بود و ۷۹ درصد (بیش از ۲۹ میلیون نفر) در انتخابات شرکت کردند.

رای آقای پزشکیان در این انتخابات، آن دوران را برای من تداعی می‌کند. تصورم این است که بخش مهمی از این رای مربوط به ویژگی‌های شخصی پزشکیان و آن چیزهایی است که می‌گوییم پزشکیان را به پزشکیان تبدیل کرده است. کمک‌های افرادی مثل آقای ظریف هم در این باره بسیار مفید و مؤثر بود. در حال حاضر، ما در حال ورود به مرحله دوم انتخابات هستیم. ایستادن جایگاه اول تبریک دارد و ورود به مرحله دوم، نیازمند هشدار است که مرحله بسیار مهم‌تری است. چون یکی از نامزدهای محترم که رای نسبتاً قابل قبولی هم داشت (قالیباف)، به نفع آقای جلیلی وارد شد. نگرانی درباره این ۳ میلیون رای وجود دارد. اختلاف جلیلی و پزشکیان یک میلیون است و اگر دو میلیون از آرای قالیباف هم به سبد او بریزد، پیروز خواهد شد. بنابراین، کار ما در این مرحله سخت‌تر است.»

نبوی اضافه کرد: «در حال حاضر با چهار گروه مواجه هستیم. گروه اول، آن‌هایی هستند که در مرحله اول رای دادند و امیدواریم که در دور دوم حضور داشته باشند. دسته دوم، ناامیدان هستند که معتقدند تفاوتی ندارد چه کسی رئیس‌جمهور باشد. دسته سوم تحریمی‌ها هستند که معتقدند با عدم مشارکت باید پیامی به حاکمیت ارسال کرد. دسته و گروه چهارم تحریمی‌های برانداز هستند که با آن‌ها در حال حاضر صحبتی نداریم. در این فرصت کوتاه چندروزه، نمی‌توانیم با آن‌ها وارد گفت‌وگو شویم.

به سه گروه ابتدایی باید بگوییم که شرکت نکردن در انتخابات، در واقع رای دادن به رقیب پزشکیان است. از سوی دیگر باید این را هم جا بیاندازیم که پزشکیان نمی‌تواند معجزه و ظرف ۲۴ ساعت همه چیز را گل و بلبل کند. برای آن‌هایی که می‌گویند فرقی نمی‌کند چه کسی رئیس‌جمهور باشد، می‌گوییم که تفاوت دولت پزشکیان و رقیبش، مثل دولت خاتمی با دولت بعدی او و دولت روحانی با دولت بعدی اوست.»

نایب‌رئیس مجلس ششم، تاکید کرد: «به تحریمی‌ها باید گفت که اگر دنبال این بودند که پیامی به حاکمیت داده شود، این اتفاق افتاد و سیاست حاکمیت تغییر کرد. حاکمیت مسیری برای شرکت جناح‌های مختلف در انتخابات باز کرد. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم در این انتخابات شرکت نمی‌کنیم که حاکمیت در سیاست‌هایش تجدیدنظر کند. تجدیدنظر اتفاق افتاده است. پزشکیان وعده عجیب و غریبی نداده است.

آن‌چه در حال حاضر مردم با پوست و گوشت‌شان لمس می‌کنند، مشکلات اقتصادی است و مهم‌ترین کاری که پزشکیان می‌تواند بکند، تلاش برای حل این مسئله است. حل مشکل معیشت و اقتصاد مردم نیز از راه تجدیدنظر در سیاست خارجی می‌گذرد. این به معنای درگیر شدن با حاکمیت نیست. آیا خاتمی که دولتش بهترین عملکرد اقتصادی را از خود به جا گذاشت، با حاکمیت درگیر شد؟ سیاست خارجی را با هماهنگی حاکمیت پیش برد. پزشکیان هم باید برای پیشبرد این مسائل با حاکمیت گفت‌وگو و رایزنی کند.»

انتظار معجزه نیست

حسین معصومی‌همدانی، نویسنده، مترجم و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در متنی از ضرورت رأی به مسعود پزشکیان گفته است: «نه وقت تحلیل است، نه من قدرت تحلیل دارم. در فن خطابه هم مهارتی ندارم تا با نوشته‌ها و سخنان پرشور توده‌های مردم را به رأی دادن یا رأی ندادن برانگیزم. یکی از مردم ایرانم و کار اصلی‌ام علم و فرهنگ و بزرگترین دغدغه فکری‌ام سرنوشت علم و فرهنگ در این سرزمین است و سال‌هاست آرزوی روزی را دارم که جز این دو حوزه به چیز دیگری، به‌خصوص به سیاست، فکر نکنم.

با این حال وضع اسفباری که در دانشگاه و فرهنگ می‌بینم و با همه وجود حس می‌کنم، مرا مکلف می‌کند که به امید بهبودی، هرچند اندک، در انتخابات شرکت کنم و رأی خود را به آقای مسعود پزشکیان بدهم و کسانی از نوع خود را هم به این کار تشویق کنم. از دوستانی که این چند خط را می‌خوانند تقاضا دارم که اگر با گروه‌های دیگری از مردم تماس دارند و اگر دردهای ایشان را می‌شناسند و زبان ایشان را می‌دانند، سخن ایشان را بشنوند و به ساده‌ترین و عینی‌ترین زبان تأثیری را که رأی دادن یا ندادن به مسعود پزشکیان بر فردای ایشان خواهد داشت، برایشان توضیح دهند. انتظار هیچ معجزه‌ای هم نداشته باشند.»

چرا به مسعود پزشکیان رأی می‌دهم؟

هرمز ربانی

۱ – چون آگاهانه تصمیم گرفته ام که رای بدهم.
۲ – پزشکیان را انسانی راستگو، پاکدست و با ضریب هوشی بالا می‌دانم.
۳ – کارنامه ای موفق داشته و به کارکردش امید دارم.
۴ – پزشکیان فردی شجاع و رک گو می باشد که در سختی‌ها حرفش را زده و لکنت نگرفته است.
۵ – چالش‌های مدیریتی کشور را می‌شناسد و برای حل مشکلات از عقل جمعی کمک می گیرد.
۶ – به مدیریت نخبگان به جای مدیریت پخمگان اعتقاد راسخ دارد که با این ایده امید دارم تا از خروج نخبگان کشورم جلوگیری شود.
۷ – از روحانی صادق تر و از خاتمی شجاع‌تر است.
۸ – تحصیل کردهٔ کوپنی با مدرک قلابی نیست و سطوح علمی و مدیریتی را به شایستگی طی کرده است.
۹ – در دو قوه ی مجریه و مقننه در سطوح بالا کار کرده (وزیر – نایب رئیس مجلس) و شایستگی خود را به اثبات رسانده است.
۱۰ – کشورم بیمار است و او طبیب، اگر بر نخیزم و از این فرصت استفاده نکنم، شاید هیچ وقت خود را نبخشم.

مشاور اقتصادی پزشکیان:

قیمت بنزین تغییر نخواهد کرد

حسین عبده تبریزی مشاور اقتصادی پزشکیان:
در این شرایط معیشتی مردم نباید چیزی از زندگی آن‌ها کم شود. دولت نباید به حداقل موقعیت زندگی مردم طمع کند. مردم بنزین موردنیازشان را به قیمت امروز در اختیار خواهند داشت

جای خالی نخبگان هنری در انتخابات ریاست جمهوری

رضا صائمی

برخلاف انتخابات سال‌های ۷۶، ۸۰، ۹۲ و ۹۶ که حضور فعال هنرمندان در عرصه سیاسی به حضور بیشتر مردم پای صندوق‌های رأی کمک کرد، حالا می‌توان جای خالی آن‌ها را در انتخابات اخیر احساس کرد. شاید اگر چهره‌های سینمایی و سلبریتی‌های هنری در انتخابات چهاردهم حضور داشتند و در هوای مشارکت می‌دمیدند، اکنون انتخابات به مرحله دوم نمی‌کشید. این فقدان و عدم‌حضور چهره‌های شاخص هنری در فرآیند انتخابات، حاصل سیاست‌های قهرآمیز و قهری است که در چند سال اخیر نسبت به اصحاب فرهنگ و هنر صورت گرفته و قابلیت آن‌ها به‌مثابه سرمایه‌های اجتماعی را هدر داده است.

هنر سیاست این است که پای اهل هنر را از سیاست نَبُرَد تا آن‌ها به‌موقع دست او را بگیرند. کاهش آمار مشارکت در انتخابات اخیر نسبت به دوره‌های قبل را می‌توان از کیفیت رابطه اهل سیاست با هنرمندان هم تحلیل کرد. این حاصل نخبه‌کشی در حوزه فرهنگ و هنر است که با حذف و قهر بر هنرمندان، سرمایه حمایتی آن‌ها را از دست داده است و به دست خود نقش مؤثر آنها در کنش‌های اجتماعی و سیاسی را کمرنگ و بی‌اثر کرده است.

محمدمهدی عسگرپور، کارگردان و مدیر سینمایی در گفت‌وگویی با هم‌میهن به‌درستی به این نکته اشاره کرد و گفت: «برای تضعیف این نقش که برخی ریشه آن را به انتخابات دوره ۷۶ برمی گردانند که سینماگران نقش مؤثری در پیروزی آقای خاتمی داشتند – که البته بی‌ربط هم نیست – طرحی شکل گرفت که اولاً باید این مرجعیت گرفته شود و دوم این‌که حالا باید درباره چگونگی آن برنامه ریخت. اتفاقاً برای ازبین بردن یا کمرنگ کردن این مرجعیت از خود بچه‌های سینما و هنر خیلی استفاده شد. همین الان می‌بینید که برخی همکاران ما در ارتباط با هم چگونه رفتار می‌کنند و برخی مواقع هم الفاظ زشت نسبت به هم به‌کار می‌برند که این‌ها همه در جهت همان تضعیف مرجعیت هنرمندان قرار دارد تا اعتماد مردم به آن‌ها کاهش یافته و نزد افکار عمومی بی‌اعتبار شوند. انگار یک پروژه‌ای برای خودتخریبی هنرمندان طراحی شده است.»

روزگاری بود که سینماگران در هنگامه انتخاباتی برای نامزدهای ریاست‌جمهوری، فیلم تبلیغاتی می‌ساختند، سخنرانی می‌کردند، بیانیه می‌نوشتند، حمایت می‌کردند و از اعتبار و آبروی خود برای موفقیت او هزینه می‌کردند اما حالا برخی از همان‌ها از وطن مهاجرت کرده‌اند، برخی دیگر کار نمی‌کنند و برخی هم ممنوع از کارند. بیشترین شکاف میان سیاستمداران و سینماگران ایجاد شده که تاکنون سابقه نداشته است. حالا جای خالی آن‌ها در میدان حضور را هیچ کسی پر نمی‌کند.

همین الان در این یک هفته طوفانی که حضور آن‌ها در عرصه عمومی و تبلیغاتی می‌توانست نقشی تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز داشته باشد، نمی‌توان از این پتانسیل بهره برد. آن‌قدر با هنرمندان بد برخورد شده و سرکوب و سَرخورده شده‌اند که از منزلت و اعتبار خود برای مشارکت سیاسی استفاده نمی‌کنند. مسئله بر سر بلایی است که بر سر جامعه فرهنگی و هنری آمده و آن‌ها را به درون خانه‌های خود تبعید کرده و دیگر آنها از خانه خود بیرون نمی‌آیند تا در خاک سیاست پا بگذارند. آتشی که نخبه‌کشی فرهنگی و هنری برافروخت درنهایت به چشم آتش‌افروزان رفت و حالا جای خالی آن‌ها به‌شدت احساس می‌شود.

رای به پزشکیان؛ برای جامعه‌ای قدرتمند

حسین نورانی‌نژاد، قائم‌مقام دبیرکل حزب اتحاد ملت



یک اصلاح‌طلب جامعه‌محور منتقد ساختار که سه انتخابات متوالی را معنادار ندانسته و از مشارکت در آن دفاع نکرده، چه توجیهی در حمایت از رای به پزشکیان دارد؟ این پرسشی است که این روزها به کرات مطرح می‌شود. پاسخ در نگاهی عملگرا به سیاست و کارکردگرا به انتخابات، شاید تا حدی روشنگر باشد. انتخابات در کشوری چون ایران، صرفاً یک ابزار مداخله در سیاست است. اما در مواجهه با آن سه رویکرد متفاوت رایج است.

۱- مشارکت قطعی: برخی حامیان پروپاقرص حاکمیت با دلایل مذهبی و اعتقادی از این جمله‌اند. برخی دیگر آن را ابزاری برای حفظ ارتباط با حاکمیت و اعتمادسازی با آن می‌دانند که در واقع نگاهی بیعت‌گونه است. دسته سومی هم با نگاهی تحلیلی معتقدند در هر انتخابات روزنه‌ها و فرصت‌هایی هست که نباید از آن گذشت و هیچ فایده‌ای هم که نداشته باشد، به حفظ زمین بازی انتخابات به‌عنوان یک ظرفیت برای آینده می‌انجامد.

۲- تحریم قطعی: آن‌ها تحت هیچ شرایطی در انتخابات شرکت نمی‌کنند. براندازان کلاسیک، کسانی که خشم و نفرت‌شان از حد گذشته و نمی‌خواهند هیچ نسبتی با حاکمیت پیدا کنند یا برخی گذارطلبان و تحول‌خواهانی که تداوم فشار به حاکمیت با مشارکت پایین در انتخابات تا رسیدن به انتخابات کاملاً آزاد یا رفراندوم را هدف گرفته‌اند، در این دسته قرار می گیرند.

۳- مشارکت مشروط: عقل سرد و محاسباتی، منشأ تصمیم گیری در این راهبرد است. اغلب تصمیمات و رفتار سیاسی، واجد منافع و مضراتی برای کشور است که در نهایت باید سبک و سنگین شوند تا به نتیجه رسید. شرکت و عدم شرکت در انتخابات هم تابع این اصل کلی است. به‌عنوان مثال، آن‌چه چهار ماه پیش در انتخابات مجلس گذشت منافعی مانند تداوم شناخت نزدیک از مسائل کشور را ممکن می‌کرد، اما به لحاظ عملی حداکثر امکان شکل‌گیری اقلیتی ضعیف در مجلس را به اصلاح‌طلبان می‌داد که نمی‌توانست منشأ آثار ایجابی یا مانع تصمیمات غلط در میان اکثریت از پیش راه‌یافته تندرو در مجلس باشد، سرمایه اجتماعی قابل توجهی هم بر باد می‌داد.

اما در انتخابات ریاست‌جمهوری چیزی به نام اقلیت و اکثریت نداریم. یک نفر یا رای می‌آورد و رئیس‌جمهور می‌شود و یا نمی‌شود. جامعه هم با همین شناخت، پیشاپیش اقبال و توجهی بیش از انتخابات مجلس به آن نشان داد. از منظر جامعه‌محوری هم که تقویت جامعه و تعدیل در توازن قوا بین شهروندان با حاکمیت را دنبال می‌کند، انتخابات ریاست‌جمهوری می‌تواند مؤثر باشد.

جامعه‌ای که معترض است اما میل و نای جنبش اعتراضی فعلاً ندارد، مجدداً سیاسی شده است اما امکان کنش سیاسی مستقل غیرانتخاباتی ندارد، طبقه متوسطش زیر ضرب سیاست‌های خانمان‌برانداز است، محرومینش افق روشنی ندارند، نه حقوق سیاسی و مدنی‌اش مراعات می‌شود و نه امید چندانی به استیفای حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌اش دارد، به انتخابات و ظرفیت‌های محدود آن طبعاً فکر می‌کند.

در این بین پرسش‌ها و گزاره‌هایی هست که در رسیدن به این تصمیم کمک می‌کند، مثلاً:

۱- آیا رئیس‌جمهور اختیارات کافی دارد؟

پاسخ: تا کفایت به چه معنا باشد. منتخب انتخابات ریاست‌جمهوری در عالم واقع به اندازه رئیس دولت و نه رئیس‌جمهور، آن هم تا حدی اختیار دارد. اما میزان اختیارات باقی‌مانده به اندازه‌ای هست که در سرنوشت کشور و ایرانیان تاثیر ملموس داشته باشد. رئیس‌جمهور حاکم بر سیاست خارجی کشور نیست اما او و تیمش تاثیر بسزایی دارند. او بر تمام مقدرات اقتصاد حاکمیتی کشور مسلط نیست اما بخش مهمی از آن را در اختیار دارد. قوای نظامی و انتظامی و بعضاً امنیتی کشور مستقل از دولتند اما رئیس شورای عالی امنیت ملی کشور با رئیس‌جمهور است و در آن‌جا اثربخش است. احکام قضایی دست او نیست ولی امکان حمایت از مظلومان را دارد، می‌تواند مانع ستاره‌دار شدن دست‌کم عده‌ای از دانشجویان شود و... رئیس‌جمهور به میزان مصرح در قانون اساسی رئیس‌جمهور نیست اما همچنان فرد بسیار قدرتمندی است و این میزان بسته به اقتدار و شخصیت فرد نشسته بر این جایگاه کم و زیاد می‌شود.

۲- چرا با مشارکت خود تداوم راهبرد تحول‌خواهی براساس عدم مشارکت و فشار بر حاکمیت را خراب می کنید؟

نویسنده این سطور موافق است که عدم مشارکت بخش بزرگی از اصلاح‌طلبان در سه انتخابات گذشته موجب تایید برخی کاندیداها در انتخابات مجلس ۱۴۰۲ و تایید آقای دکتر پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری شده است. اما اولاً این عدم مشارکت‌ها برای معنابخشی به انتخابات بوده است که تا حد کم اما متفاوت از گذشته این اتفاق در انتخابات فعلی رخ داده است و ثانیاً تنظیم حرکت این راهبرد با تحمل و خواست بدنه اجتماعی هم مهم است. به علاوه، استمرار عدم شرکت در انتخابات ممکن است نیروهای سیاسی را به مرور از عرصه رسمی خارج کند که پیامدهایی چون ذهنی شدن و دوری از بخشی از واقعیات سیاست مربوط به ادبیات و توانمندی حکومتداری را در پی دارد.

همچنین به نظر می‌رسد که بخشی از بدنه اجتماعی خسته شده و به دنبال مفری به گذار به شرایط عادی‌تر است. این حرف چه از منظر زندگی شخصی فعالان است که دچار تلاطم‌های زیادی بوده است و هم خود جامعه وسیع‌تر تغییرخواه با مشاهده نتایج جنبش‌های اعتراضی اخیر و عاقبت براندازان پرسروصدا اما جفت پوچ در عمل، راهی به آرامش می‌جوید.

۳- چرا با مشارکت خود به وضع موجود مشروعیت می‌دهید؟

یک پاسخ این است که وقتی رهبری زمانی گفته که مخالفان هم برای ایران پای انتخابات بیایند، یعنی چنین برداشتی پیشاپیش می‌تواند منتفی باشد و به انتخابات صرفا به چشم‌ابزاری برای بهبود اوضاع نگاه کرد. اما نمی‌توان کتمان کرد که برداشت مقابل آن هم وجود دارد و اتفاقاً غلبه دارد. کسانی که چنین پیامدی برایشان خط قرمز است، حق دارند که تأمل کنند در این باره و چند نقد و نگرانی دیگر، رجوع به یادداشت اخیر آقای عباس عبدی در اعتماد با عنوان «در نقد مشارکت» برای پاسخ به این پرسش می‌تواند مفید باشد تا در اینجا بر نکات دیگری تمرکز شود.

اما خیلی کوتاه این‌که نارضایتی‌ها و بروز و ظهور آن‌ها جدی‌تر از آن بوده که نگران چنین برداشت‌هایی باشیم. هر که هر چه می‌خواهد بگوید. هر کسی می‌داند که بزرگترین اتفاق نظر اکثریت جامعه در نارضایتی نسبت به وضع موجود است و بزرگترین اختلاف هم درباره راه‌های عبور از این شرایط است. حالا اگر کسی خواست یکی از راه‌های تلاش برای این عبور و بهبود در شرایط را تفسیر دیگری بکند، هیچ اهمیتی ندارد. نباید از یک ظرفیت برای حرف‌های کم‌ارزش گذشت.

۴- اگر پزشکیان وفای به عهد نکرد چه؟

بعید به نظر می‌رسد. او انسان با اخلاق و با مروتی نشان داده که پای حرف‌هایی حداقلی، مقاومت حداکثری می‌کند. او در مناظره‌ها ندرخشید اما انسان خوب و با مروت بودنش و برتری اخلاقی‌اش را به وضوح نشان داد. اما فرض که نکرد، در آن صورت عهد ما هم با او برداشته خواهد شد. ما محکومیم به تلاش برای استفاده از هر منفذ قابل اعتنا و محتملی. احیاناً پرسش‌های بیشتری هنوز روی زمین مانده که زمان زیادی برای پرداختن به آن‌ها نیست.

اما یک نکته پیداست. این‌که درصد قابل توجهی از جامعه تغییرخواه تصمیم گرفته تا این بار گامی را از خلال صندوق رای به جلو بردارد. همراهی و مشارکت با این تلاش هیچ هزینه‌ای ندارد اما می‌تواند دستاورد قابل اعتنایی داشته باشد. دلایل و احساسات همه کسانی که قصد رای ندارند کاملاً قابل درک و فهم است. اما برای رای دادن هم دلایلی هست که تا روز جمعه می‌توان به آن فکر کرد. دست‌کم همراهانی که تحول‌خواهی را با نگاه به توانمندی‌های جامعه دنبال می‌کنند، به این حقیقت توجه کنند که شهروندان و نهادهای مدنی و کلیت جامعه در یک دولت میانه که سر ستیز با آن‌ها ندارد، توانمندتر خواهند بود.

نگاهی واقع‌بینانه به اطراف خود، به خیابان‌ها، دانشگاه‌ها و... و قیاس با گذشته آن را نشان می‌دهد. کمک کنیم تا اعتمادبه‌نفس به جامعه بازگردد، تا دوباره منشأ اثری شود که برای مطالبه‌گری‌های دیگرش هم از آن انرژی بگیرد، تا مانع حاکمیت یک‌دستی شود که با اکثریت جامعه سر سازگاری و مهر ندارد و کوچکترین مطالبه‌گری‌ها بسیار پرهزینه می‌کند. برای رسیدن به یک جامعه قدرتمند، فرق می‌کند که چه کسی رئیس‌جمهور باشد./هم میهن

پزشکیان و رقبای سایه و خاکستری

رحیم عبادی

دکتر پزشکیان با رقبای خود باید در دور دوم مبارزه همه جانبه داشته تا پیروز شود؛ اما رقبای واقعی پزشکیان چه کسانی هستند و او چگونه می‌تواند بر رقبای خود پیروز شود؟

با اعلام نتایج قطعی انتخابات از سوی وزارت کشور، میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم به حدود ۴۰ درصد رسیده است؛ یعنی میزان عدم مشارکت مردم بیش از مشارکت در انتخابات بوده و این رقم پایین‌ترین نرخ مشارکت در ۱۴ دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران است.

به علاوه این کاهش مشارکت، بر روند کاهشی مشارکت مردم در انتخابات، طی سال‌های اخیر افزوده است. براساس آمارهای رسمی میزان روند کاهش مشارکت مردم از انتخابات مجلس از سال ۱۳۹۶ با ۴۲درصد شروع و اینک در انتخابات ۱۴۰۳ ریاست جمهوری به حدود ۴۰درصد یعنی کمترین میزان مشارکت تقلیل یافته است.

از سوی دیگر میزان کسب رای دکتر پزشکیان به عنوان نفر اول پیروز انتخابات ریاست جمهوری به بالای ۴۲درصد رای دهندگان رسیده و انتخابات دو مرحله ای شده و دکتر پزشکیان با رقبای خود باید در دور دوم مبارزه همه جانبه داشته تا پیروز شود؛ اما رقبای واقعی پزشکیان چه کسانی هستند و او چگونه می تواند بر رقبای خود پیروز شود؟

۱- شاید در ظاهر به نظر برسد که رقیب اصلی دکتر پزشکیان، آقای جلیلی است؛ گرچه او رقیب ظاهری و قانونی اوست و قطعاً با توجه به بیانیه خلاف قانون آقای قالیباف و آرایش سیاسی نیروهای اصولگرا و علاقه مندی بخشی از صاحبات قدرت به حضور آقای جلیلی در حاکمیت او را باید یک رقیب جدی دانست و میدان را برای حضور و آراء او تنگ تر نمود؛ اما قطعاً رقیبان او متفاوت تر و موثرتر خواهند بود.

۲- از رقبای قدرتمند آقای دکتر پزشکیان، جمعیت کثیر عدم مشارکت و مرددین با حدود ۶۰درصد شرکت در انتخابات هستند. جمعیت بزرگی که حتی در انتخابات مرحله اول کمتر مورد مخاطب قرارگرفته است. این گروه که گرچه از گذشته‌ها بروز و ظهور داشته؛ اما بنظر می رسد، بعد از انتخابات ۸۸ و رفتار با معترضان، راه تاثیرگذاری سرنوشت کشور و مردم را مسدود شده تلقی کرده و علیرغم روزنه‌هایی که در انتخابات سال ۹۲ و سال ۹۶ ایجاد شده بود؛ اما اراده بخش قابل توجهی از حاکمیت آن بود که هیچ چیزی در جمهوری اسلامی ایران از طریق انتخابات تغییر نخواهد کرد و حتی مقامات رسمی مثل رئیس قوه‌قضائیه وقت، رسماً این چشم انداز را به نیابت از حاکمیت بیان داشته است. علاوه بر این نگرش و رفتار حاکمیت طی یک دهه گذشته مبتنی بر مقاومت و ایستادگی همه جانبه در مقابل تغییر و اصلاحات در حکمرانی، هر نوع تغییرخواهی و حتی اعتراضات مدنی و مسالمت‌آمیز را با استفاده از قوه قهریه پاسخ داده و معترضان را اغتشاشگر نامیده و به جای رسمیت شناختن اعتراضات و همراهی با معترضین با دار و درفش از آنان پذیرایی نموده است و در نتیجه بی اعتمادی مردم به حاکمیت افزایش و میزان نارضایتی مردم براساس پیمایش ملی ارزش ها و نگرش‌های ایرانیان در آبان ماه سال ۱۴۰۲ به بیش از ۷۰ درصد رسیده است.

دکتر پزشکیان باید بداند که رقیب اصلی او در انتخابات ریاست جمهوری، این گروه کثیر ناراضیان و معترضین هستند که در دور اول انتخابات کمتر مورد توجه و خطابه قرارگرفته‌اند و چنان‌چه بخواهد در مرحله دوم انتخابات به اهداف خود و کسب مسئولیت ریاست جمهوری باشد، باید صدای این گروه مهم شود و مطالبات آنان را با بیان و تضمین لازم برای پیگیری و احقاق حقوق از دست رفته آنان را ارائه نماید و ضمن دلجویی از آنان و خانواده‌های آسیب‌دیده و کشته‌شدگان و زندانیان و اخراجی ها و در یک عبارت محذوفین، چشم‌انداز روشنی از آینده ارائه نماید و بدین سان از آنان درخواست گردد که با مشارکت موثر خود در پای صندوق‌های رای راه تحقق انجام تعهدات را فراهم آورند و از جناب آقای مهندس موسوی و آقای مصطفی تاج‌زاده درخواست گردد که در این زمینه به ایشان کمک نمایند.



۳- رقیب بعدی آقای دکتر پزشکیان، اندیشه و رفتار ایشان است. دکتر پزشکیان علیرغم برخورداری از ویژگی‌های فردی و شخصیتی قابل احترام و موثر که در مرحله اول انتخابات بسیار فراتر از انتظار عمل کرده است؛ اما باید با برنامه منسجم برای حضور در مسئولیت ریاست جمهوری در عرصه عمومی ظاهر شود و بیان حرف‌های کلی و تکراری و غیردقیق و بدون توجه به متن سوالات وگفت وگوهای طرف مقابل مخاطب را بلاتکلیف رها می‌کند مثلاً در بخش مدیریت ایشان هنوز در دوره ریاست بر دانشگاه علوم پزشکی تبریز باقی مانده غافل از این‌که بعد ایشان ۴ سال معاونت وزارت بهداشت و ۴ سال بعد وزیر بهداشت و عضو هیات وزیران آقای سید محمد خاتمی بوده اند و موفقیت‌های موثری داشته‌اند و می‌توانند با افتخار و با بهره‌گیری از نمودارهای کوتاه از عملکرد درخشان خود و دولت آقای خاتمی دفاع نمایند و به این ابهام پاسخ صریح دهند که ایشان تشکیل دهنده دولت سوم روحانی نیستند؛ بلکه ادامه دهنده راه دولت خاتمی خواهند بود.

جایگاه کاندیداتوری برای ریاست جمهوری الزاماتی را می طلبد، از جمله دارا بودن دیدگاه‌های روشن درخصوص سیاست داخلی، سیاست خارجی، مسائل چالشی، معضلات اساسی در حکمرانی و مدیریت کشور که لازم است آقای دکتر پزشکیان با بهره‌گیری از مشاوران قوی از آن برخوردار گردد.

۴- اینک که سرنوشت انتخاب رئیس‌جمهور آینده به مرحله دوم انتخابات در ۱۵ تیر موکول گردیده است، ضمن آرزوی موفقیت برای دکتر پزشکیان عزیز توجه به نکات زیر مورد انتظار است.

۴-۱) به رسمیت شناختن حقوق محذوفین و دفاع همه جانبه از حقوق حقه آنان با تاکید بر بیانیه ۱۵ ماده ای جناب آقای خاتمی.

۴-۲) درخواست از رهبری برای پایان دادن به حصر محصورین به ویژه جناب آقای مهندس موسوی، جناب آقای خاتمی، جناب آقای کروبی، سرکار خانم زهرا رهنورد.

۴-۳) دلجویی از آسیب دیدگان وقایع سال۹۶ و۹۸ و جنبش زن، زندگی، آزادی (جنبش مهسا)

۴-۴) تاکید روشن و شفاف بر اصلاحات همه جانبه اعم از اصلاحات ساختاری، رویکردی و رفتاری.

۴-۵) توجه به مسائل زنان و جوانان و تعهد به بهره مندی از ظرفیت‌ها و فرصت های بی نظیر آنان برای اعتلا و توسعه کشور که متاسفانه بر اثر بی‌توجهی عمیق طی سال‌های گذشته تبدیل به چالش اساسی برای جامعه ایرانی شده و اولویت بخشیدن به مسائل زنان و جوانان به عنوان فرصت بی‌نظیر باید در راس اقدامات باشد.

۴-۶) توجه به مسائل فرهنگیان و اهتمام به مطالبات معطل مانده آنان از جمله حفظ منزلت و تامین معیشت معلمان و نجات آموزش و پرورش از بحران‌های کیفیت، عدالت و مشروعیت.

۴-۷) تاکید بر نقش دانشگاه ها و اساتید و دانشجویان به عنوان سرمایه بزرگ برای تغییرات اساسی و پایدار کشور و تاکید بر وجود دانشگاه‌های مستقل، پرسشگر، آزاداندیش و دانشجویانی منتقد و شجاع و تبدیل دانشگاه‌ها از پادگان به نهاد پیشران توسعه.

۴-۸) رفع فیلترینگ و محدودیت دسترسی به اطلاعات آزاد در تعامل با جهان جدید و تاکید بر بهره‌وری فناوری های نوظهور برای توسعه و پیشرفت کشور باید همه ابزارهای محدودسازی بهره‌مندی از اینترنت برای جامعه و جوانان برداشته و مسیر عقلانی دنیای دیجیتال به روی همگان گشوده شود.

۴-۹) اهتمام به استقرار عدالت و نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی به ویژه برای اقشار محروم و کم برخوردار و کاهش فقر و بیکاری و رفع محرومیت از جامعه ایرانی.

۴-۱۰) ایران برای همه ایرانیان است. همه اقوام، مذاهب، مناطق و گروه‌های اجتماعی باید در سرنوشت خود به صورت مستقیم دخالت داشته باشند. همه شهروند ایران و درجه یک هستند. شهروند درجه ۲ در برنامه ما جایی ندارد. ایران برای همه است و همه برای ایران./ جماران

سه تضمین مهم پزشکیان، ظریف و آذری جهرمی:

تمام قد در مقابل گشت‌های اجباری، فیلترینگ و فشارهای بیرونی در همه جلسات می‌ایستم

پزشکیان، ظریف و آذری جهرمی ۳ موضوع مهم، شامل ایستادن تمام قد در مقابل گشت‌های اجباری، فیلترینگ و فشارهای بیرونی را تضمین کردند.

اکانت مسعود پزشکیان در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «تضمین می‌دهم که تمام دولت در برابر گشت‌های اجباری، فیلتر کردن و فیلترشکن بازی و فشارهای بیرونی در همه جلسات و تمام قد بایستد»

پزشکیان این توییت را در پاسخ به نوشته ی حسین جنتی، شاعر منتقد بیان کرده است.

جنتی خطاب به پزشکیان نوشته بود: «یک: تضمین می‌دهم گشت ارشاد از خیابان جمع شود. دو: تضمین می‌دهم فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی برداشته شود.

سه: تضمین می‌دهم اگر فشاری به دولت آوردند تا مقابلِ خواست مردم بایستد آن را صریح افشا کنم.

آقایان پزشکیان، ظریف و جهرمی زیر این نوشته را امضا کنند و انگشت بزنند من رای می‌دهم.»

محمدجواد ظریف، وزیر پیشین امور خارجه در تأیید این وعده‌های مهم نوشت: «سلام، تضمین می‌دهم که پزشکیان راستگو و شجاع است و در برابر این کژفهمی‌ها و کژتابی‌ها ایستاده و خواهد ایستاد. ۱۵ تیر به آینده رای می‌دهیم»

محمدجواد آذری جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات نیز صحبت‌های پزشکیان را تایید کرد و نوشت: «بنده هم به راستگویی، صداقت و شجاعت دکتر مسعود پزشکیان شهادت می‌دهم و آن را ضمانت می‌کنم.

برای دفاع از مظلومین، یک یاحسین دیگر»

طبیب تورم در حمایت از پزشکیان وارد میدان شد

طیّب‌نیا با انتشار فیلمی از پزشکیان حمایت کرد و گفت: به عنوان یک معلم اقتصاد از درد و رنج مردم به طور کامل آگاهم و وظیفه خود می‌دانم که برای تسکین آلام مردم فعالیت موثری داشته باشم.

وی در این باره گفت: مردم روزهای سختی را پشت سر می‌گذارند؛ تورم لجام گسیخته، رشد پایین درآمد ملی، فقر گسترده، فساد، بیکاری به خصوص بیکاری جوانان تحصیل کرده و به طور خاص بانوان شرایط سختی را برای مردم فراهم کرده است.

طیّب نیا در ادامه بیان کرد: درک این مسائل و ضرورت مقابله با آن‌ها و تسکین آلام مردم وظیفه هر شهروند شرافتمندی است. جامعه ما از سال‌های دور از مشکلات ساختاری رنج می‌برد که به طور خاص می‌توان به دولتی بودن و نفتی بودن اقتصاد ایران اشاره کرد / این مشکلات ساختاری در کنار سو تدبیر مدیران و دولت‌ها، درکنار تحریم‌ها شرایط بسیار سختی را برای مردم فراهم کرده.

وی افزود: به عنوان یک معلم اقتصاد از درد و رنج مردم به طور کامل آگاهم و وظیفه خود می‌دانم که برای تسکین آلام مردم دخالت و فعالیت موثری داشته باشم. دولت‌ها در گذشته همگی شعار و عده مقابله با تورم و بیکاری و رکود اقتصادی داده اند، اما چرا جز یکی دو دوره کوتاه نتوانستیم بر این مشکلات فائق آییم؟

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰.
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



به نقطه بحرانی رسیده‌ایم

غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی در مصاحبه با روزنامه اعتماد از دوگانه‌های دور دوم سخن گفته است.
به گزارش اعتماد، بخش‌های مهم این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:
اگر واقعا پزشکیان سر کار نمی‌آمد و جریان اصلاحات پشت او نمی‌ایستاد و استادان دانشگاه و گروه‌های مرجع وارد میدان نمی‌شدند، معلوم نبود، چه فاجعه مشارکتی در انتخابات بروز می‌کرد.
«بخشی از مردم ایران، از حکمرانان‌شان طلاق گرفته‌اند.» بنابراین باید زمینه رجوع مردم را فراهم کرد. برای این منظور باید کار کرد. باید مشکلات مردم را حل و فصل کرد. باید زمینه برداشتن تحریم‌ها را فراهم کرد تا نگاه مردم به حاکمیت و مسوولان تغییر کند.
همگی از نحوه شهادت‌گونه آقای رییسی متاسف شدیم اما این دلیل نمی‌شود که عملکرد دولت سیزدهم مورد نقد قرار نگیرد. به هر حال شرایط امروز کشور نتیجه مدیریتی است که طی سه سال اخیر اعمال شده است. برای جا انداختن این موضوع چهره‌هایی را وارد انتخابات کردند که سلاحی جز تهمت و تخریب و کذب‌گویی نداشتند، اما مردم متوجه واقعیت‌ها هستند.
حتی برخی از خانواده‌های مذهبی و متدین هم قهر کرده‌اند. اینکه می‌گویم به نقطه بحرانی رسیده‌ایم، به همین دلیل است. یعنی سرمایه‌های نظام که همواره روی آنها تکیه می‌کردیم، ناراحت هستند.
در این مرحله آقای پزشکیان هم باید با صراحت مطالبات مردم را بیان کنند. با گروهی طرف هستیم که شاید در ظاهر نشانه‌های دین بر پیشانی داشته باشند اما برای انجام هر عمل خلافی، توجیهی خواهند داشت.

تا پیروزی دورِ دوم، راهی نمانده

دکتر حسن عابدی جعفری، وزیر بازرگانی در دولت میرحسین موسوی و استاد دانشگاه در یادداشتی ضمن تاکید بر ضرورت حضور در انتخابات ریاست جمهوری نوشت:
«گاهی گمان نمی‌کنی، ولی خوب می‌شود»
شاید خودمان هم باورمان نمی‌شد که خوب خواهد شد، اما شد، خیلی هم خوب، این‌طور نیست؟
دست مریزاد، در آن فضای سنگین یاس و ناامیدی، به همّت خودِ تو، و میلیون‌ها مانند تو، دیدی که چگونه بخت یار شد، و به رَغمِ آن همه تمهیدات، دکتر مسعود پزشکیان، رای اول و در اوج، برتر از همه نامزدها، ایستاد، حقا که شگفتی آفریدی، مرحبا...
«گاهی بساط عیش، خودش جور می شود»؛ می‌ماند، راهِ پیشِ رو، که چند روزی پیش‌تر باقی نمانده، و تلاش و کوششی از جنسِ «فَاِذا فَرَغتَ، فَانصَب»، « چو از کاری فارغ شدی، بی درنگ، به دیگر کار بپرداز» می طلبد، چرا که «گاهی چه زود، فرصت‌مان دیر می‌شود»،
هموطن !بر اساس تجربه موفق دورِ اول، تا پیروزی دورِ دوم، راهی نمانده، فقط بایَد زود تر جُنبید، «کاری ندارمت که کجایی چه می کنی، بی‌عشق سرمکن که دلت پیر می‌شود.»
یا علی، یاحق، گام هایت استوار.

۸ تیر: اعتراض به «وضع موجود» ۱۵ تیر: اراده مردم برای حذف «بانیان و حافظان و منتفعان وضع موجود»



انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ را تا این جای کار «معترضین و منتقدین وضع موجود» برده‌اند. آن‌ها اعتراض و انتقاد خود به روندهای حاکم را با دو کار علنی کردند: گروهی با رأی ندادن یا رأی سفید و گروهی با رأی دادن به پزشکیان که او هم در شمار منتقدان است.
این دو گروه که روی هم رفته، ۸۰ درصد جامعه ایران را تشکیل می دهند، زنگ خطر را برای «بانیان و حافظان و منتفعان وضع موجود» به صدا درآورده است و از این رو، تندروها به شدت در صدد بازسازی و تجمیع نیروهای خود برای مقلوبه کردن وضعیت در ۱۵ تیر هستند تا با شکست دادن اکثریت ۸۰ درصدی، به اقلیت خود رنگ و بوی قانونی دهند.
معترضان و منتقدان وضع موجود که اکنون دست بالا را دارند، نباید اجازه دهند بازی برده به شکست‌شان تبدیل شود. آنان که رأی ندادند، پیام شان شکل گرفت و منتقل شد ولی اگر در دور دوم، ورق برگردد این پیام در هیاهوی سرمستانه اقلیت پیروز گم خواهد شد. خطر هولناکی که به کمین ایران آمده، نزدیک است ولی با رأی «معنی دار» در دور دوم، پیروزی نزدیک‌تر است.
استراتژی هوشمندانه ۸۰ درصدی این است: پیام ۸ تیر اعتراض به وضع موجود بود و پیام ۱۵ تیر نیز باید اراده مردم برای حذف «بانیان و حافظان و منتفعان وضع موجود» باشد./ عصر ایران

به قیمت به خاک سیاه نشاندن ملت، کاسبی می کنند

مجید انصاری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: بین ۱۵ تا ۳۰ دلار روی هر بشکه نفت ایران دارند تخفیف می‌دهند! حداقل روزی ۲۶ میلیون دلار از پول مردم ایران به خریدار انحصاری نفت تخفیف می‌دهند!
یک گروهی به نام دور زدن تحریم می گویند جاده را باز نکنید، ما جاده فرعی می‌بریم. روزانه یک میلیون و سیصد هزار بشکه نفت می‌برند.

پزشکیان؛ قصد هیچ تسویه حساب سیاسی با هیچ حزب و جناحی را ندارد

دکتر امین کمالی

پزشکیان، پزشکیان است، نه کمتر، نه بیشتر... دکتر پزشکیان؛ هرگز اهل بازی های کثیف سیاسی، اهل عوام فریبی نبوده و نیست. اهل رانت، قوم گرایی و حزب سالاری نیست. اهل افراط، تندروی، انحصار طلبی و تنگ نظری نیست.
اهل لوله کردن دانشجویان، اهل زیر میز زدن در مذاکرات نیست. اهل توهین، بد دهنی و تهدید رقبای انتخاباتی خود نیست.
اما، دکتر پزشکیان باور به این دارد که نقاط قوت دولت خاتمی، احمدی نژاد، روحانی، مرحوم هاشمی، مرحوم رئیسی را جزو برنامه های خود گنجانده و از هر گونه نقاط ضعف، قصورها، خطاها، فسادها که در هر دوره ای رقم خورده، از آن پلشتی ها تَبری جُسته و از تکرارشان جلوگیری نماید.
یعنی؛ ترکیبی از تمام نخبگان، متخصصان، مدیران کاربلد و توانمند، مدیران عدالت محور و پاکدست با هر گرایش سیاسی که باشند. این وجه تمایز دکتر پزشکیان با رقبای خود است.
به تعبیری دیگر؛ پزشکیان برای اصلاح امور که منتج به نفع ملت و کشور گردد، پا به عرصه انتخابات گذاشته و قصد هیچ تسویه حساب سیاسی با هیچ حزب و جناحی را ندارد. البته؛ افراد فاسد، ناکارآمد و غیر متخصص را به مجموعه دولتی که تشکیل خواهد داد، راه نخواهد داد و این مهم شامل تمامی احزاب سیاسی خواهد بود و جزو خطوط قرمز دکتر پزشکیان بوده و هست.
چرا که؛ پزشکیان، فردی عدالت خواه، پاکدست، صادق و پاک نفس است و شدیدا به شایسته سالاری، اصلح گزینی و سپردن مسئولیت به افراد مسئولیت پذیر و متخصص و کاربلد باور داشته و پایبند است و تاکید بر تعامل، گفتمان، تبادل اندیشه ها و همدلی با جریان های سیاسی در راستای برون رفت از مشکلات به نفع مردم، و خواهان شکوفایی و توسعه همه جانبه ی کشور؛ به ویژه در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بدست شایستگان است.

چرا تصمیم به رای دادن گرفتم

مسعود آتشی

من در مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکردم و جزو آن گروه ۶۰ درصدی بودم که با سکوت‌شان فریاد زدند تا پیام‌شان شنیده شود.
ولی در مرحله دوم انتخابات، تصمیم به رای دادن گرفته ام.
هر چند تصمیم به «رای دادن» به این سادگی‌ها نبود، ساعت‌ها و روزها «بین عقل و دل» و بین «جسم و روح» یک درهم ریزی عجیبی داشتم تا این که ندایی از عمق وجودم مرا به روزنه‌ای که باز شده است، امیدوار کرد.
اینک در بزنگاه انتخابات، تصمیم به رای دادن گرفته‌ام و همچنان مشارکت سیاسی و مدنی را نسخه نجات بخش برون رفت از وضعیت فعلی جامعه ایران می‌دانم.
روز جمعه پانزدهم تیرماه ۱۴۰۳ در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری شرکت می کنم و رای خودم را به «دکتر پزشکیان» خواهم داد به امید این که بار دیگر گل لبخند را بر چهره مردم سرزمینم ببینم.

بهبود امور معیشتی و درمانی بازنشستگان با انتخاب دکتر پزشکیان

جامعه عزیز بازنشستگان کشور اعم از کشوری، لشگری و تامین اجتماعی!
طی مدت استقرار دولت فعلی که از سال ۱۴۰۰ تصدی امور اجرایی کشور را بدست گرفت اقشار حقوق بگیر بخصوص بازنشستگان ارجمند کشور که سال‌ها برای عمران و آبادی و صیانت از امنیت کشور تلاش و فعالیت نموده بودند و طبیعتا بایستی در روزهای بازنشستگی با درآمد مکفی دغدغه معیشت و درمان نداشته باشند با سیاست حذف ارز ترجیحی توسط مقامات دولت سیزدهم و تورم و گرانی سه برابری حاصله از این امر با دشواری‌های عدیده ای در زمینه معیشت و درمان خود و خانواده تحت تکفلشان مواجه شدند و اگر این خط حرکتی دولت فعلی در دولت چهاردهم هم تداوم پیدا کند روز به روز وضعیت معیشتی و درمان بازنشستگان شرایط ناگوار و وخیم تری خواهد یافت.
از این سو جناب دکتر پزشکیان نامزد پیشتاز مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری در نظر دارد با سیاست‌های تحولی و معتدل به امور معیشتی و درمانی بازنشستگان از جمله متناسب سازی حقوق، تحقق افزایش سنواتی مطابق تورم و تامین بیمه تکمیلی درمانی کارآمد برای بازنشستگان در طول دوران ریاست جمهوری مبادرت نماید.
لذا از کلیه بازنشستگان عزیز کشوری، لشکری و تامین اجتماعی که با خانواده‌های وابسته جمعیتی حدود ۲۵ میلیون نفر را تشکیل می دهند و به سرنوشت آینده خود و خانواده‌شان حساسیت دارند دعوت می‌شود در روز جمعه ۱۵ تیرماه در صندوق‌های رای حاضر و با قاطعیت از جناب دکتر پزشکیان شیر مرد صادق دلسوز مورد وثوق مردم حمایت نمایند تا ان شاءالله گام به گام شاهد تغییرات مورد نظر جامعه بازنشستگان توسط رئیس‌جمهور مردمی باشیم.
«شورای سیاستگذاری کمیته بازنشستگان ستاد مرکزی انتخاباتی دکتر مسعود پزشکیان»